

دل نوشته ای از زلیخا بنی ایمان؛

محرم و عروج دیگر

محرم امسال شهر شیراز حال و هوای دیگری دارد. این روزها شیراز میزبان شهیدی بی سر است..... شهید عبدالله اسکندری

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، دلنوشته ای از زلیخا بنی ایمان تقدیم به سردار شهید حاج عبدالله اسکندری تقدیم حضورتان می شود.

امسال گلزار شهدای شیراز چه خبر است؟

تعزیه گردانی؟ شبیه خوانی، البتهرسم دیرین عاشوراست! اما این بار موافق خوان سوزی دیگر گون در صدا دارد! چه خوب نقش گرفته است! چه پیشواز ممتازی! چه استقبال با شکوهی! حالت بازی تک خوان نمایش، از زیر پوستی هم گذشته است، کار به استخوان رسیده است و کارد به استخوان گلوی بازیگر! چه هولناک و باور ناپذیر است، این کدام ترفند سینمایی است؟ که سر، جدای از تن به صحنه بیاید و تلختی پا سنگین، پدیدار گردد؟ وا عجب! حاج عبدالله راپیش از این دیده بودم، در هیات مردان سبز و سروهای سرخ! بر مسند دلدادگی خدمت به شهدا، اما شاهدت هنر مردان خداست! این بار نقش آفرین نمایش در تعزیه ای راستین می درخشد! این شبیه خوانی نیست، شبیه سازی نیست! سرپا چشم های مشتاق، تمام بهشت را پرسه زده است! و تنصحنه ی پایانی نمایش را، در چندین پرده، رقم می زند! ای شبیه خوان راستین، این نقش، گوارایت باد!